

ارزیابی نقش مردم در بهره برداری آب در توسعه پایدار

سید ظهیرالدین علی معزی^۱، جعفر برومند مهر^۲، نریمان طیبی^۳، حمیدرضا اقبال پور شیرازی^۴^۱ کارشناس ارشد مدیریت شهری^۲ کارشناس ارشد نقشه برداری^۳ کارشناس ارشد نقشه برداری^۴ کارشناس ارشد نقشه برداری

s.ali.moezzi@gmail.com

چکیده

آب از مهمترین عوامل در توسعه پایدار می باشد. و زندگی مردم و بخصوص کشاورزان به آب وابسته است. محدودیت منابع آب و اهمیت بهره برداری، مدیریت و رویکردهای تازه را در راستای بهره برداری از آب در فعالیت های مردم در قالب بهره برداری از آب می طلبد. نقش مردم به عنوان عنصر اساسی در دست یابی به اهداف توسعه پایدار از جایگاه کلیدی برخوردار است. نقش مردم مهمترین وسیله برای تحقق برنامه های مهم اجتماعی، اقتصادی به حساب می آید. مواد قانونی در برنامه های توسعه، گامی می باشد که اهداف آن نقش مردم در طرح های توسعه بهره برداری آب از پتانسیل های مردم در اجرای بهره برداری و نگهداری از این طرح ها می باشد. همچنین مهمترین راهکار به منظور بهره برداری از آب در توسعه پایدار ایجاد تشکل های مردمی می باشد. تا بهره برداری از آب و راندمان را بالا ببرد. در تدوین سیاست های بهره برداری آب، پیشنهادهای گزینه های مختلف با توجه به کمبودها و اهداف مهم و همه جانبه توسعه پایدار و مدیریت جامع بهره برداری از منابع آب در جهت رسیدن به اهداف کلان توسعه پایدار تعیین می شود.

کلمات کلیدی: مردم، بهره برداری، آب و توسعه پایدار

مقدمه

در مورد اهمیت منابع آب برای جامعه نمی توان اغراق کرد. آب بخش مهمی از زندگی بشر در عملکرد اکوسیستم می باشد. طبیعت فیزیکی پیچیده آب و استفاده های متعدد اغلب مدیریت آن را مشکل می کند، چون باید سیاست پیچیده ای از مصرف کنندگان مختلف (اغلب با اولویت رقابتی)، زمان بندی و کمیت استخراج ها و آلودگی را اداره کرد. اغلب برطرف کردن نیاز همه مصرف کنندگان مشکل بوده و باعث کشمکش بر سر آب می شود. این امر بخصوص در مورد حومه شهرها، مناطقی که انتقال از روستا به شهر وجود دارد بغرنج تر است. وقتی مناطق شهری یا حومه شهرها خود به خود توسعه یابد، تلفیقی از عوامل که در روستا و شهر برای منابع آبی رقابت می کنند

و عواملی که مصرف کننده و آلاینده آب هستند با هم شریک می شوند.

یکی از شاخص های مصرف منابع آب، شاخص بهره وری آب است که نشان می دهد به ازای هر واحد ناخالص داخلی چه مقدار آب مصرف شده است. مقدار این شاخص به تبعیت از شرایط و ساختار اقتصادی کشورها متفاوت است. مقدار این شاخص در کشورها با درآمد بالا ۲۸/۲ و در کشورهای با درآمد پایین تا ۸/۸ درصد در نوسان است. متوسط شاخص طی دوره ۱۹۷۸-۲۰۰۴ در ایران برای بخش های کشاورزی و صنعت به ترتیب معادل ۲/۲، ۲۶/۲ و ۱/۳ است که نسبت به کشورهای توسعه یافته و متوسط جهان ارقام پایین تری، به استثنای بخش صنعت، را نمایان می سازد (طاهرآبادی، ۱۳۹۵، ۵۸). رشد سریع جمعیت و افزایش مصارف آب به دلیل توجه روز افزون به شاخص های بهداشت و رفاه از یک سو و توسعه بخش های اقتصادی از سوی دیگر موجب شده تا تقاضای آب دائما در حال افزایش باشد. به این ترتیب، در آینده ای نه چندان دور، محدودیت منابع آب در ابعاد مختلفی از جمله تولید مواد غذایی، تولیدات صنعتی، آب شرب بهداشتی، محیط زیست و حتی ابعاد سیاسی و اجتماعی، مشکلات و مسائل متعددی را ایجاد خواهد نمود، این موضوع باعث شده تا توجه مدیران و مسئولان صنعت آب کشور به حفاظت و مدیریت منابع آبی سطحی و زیر زمینی در راستای اهداف توسعه پایدار معطوف گردد.

در چنین شرایطی استفاده بهینه و اصولی از منابع آب بویژه آب های سطحی، از طریق آب مهار رودخانه ها، احداث سدها و نیز روش های اصولی مدیریت منابع آب لازم و ضروری به نظر می رسد. مدیریت منابع آب با تمام پیچیدگی ها و مشکلات آن، می تواند نقش بسیار مهمی در ارتقای شاخص های آبی ایفا نماید و این مهم با تلاش همه جانبه و تمرکز در این جهت عملی خواهد بود. مدیریت آب در خشکسالی ها، نقش خود را به عنوان معادله بحرانی عرضه و تقاضای آب نشان داده و سیاست مقابله اضطراری و کوتاه مدت با این پدیده بدون توجه به جنبه های بلند مدت آن موفقیت چندانی در پی نخواهد داشت (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶، ۲).